

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

حوزه علمیه فاطمه الزهراء علیهاالسلام

شهرستان خمینی شهر

مقاله: تعلیم و تربیت از منظر امام صادق (ع)

استاد راهنما: سرکار خانم بلقیس نوروزی

محقق: صفورا آقایی فروشانی

پاییز ۹۲

تقدیم به:

ششمین آسمان امامت و ولایت امام جعفر صادق (ع)

و

تقدیم به تک ستاره آسمان زندگی یعنی مادرم.

## تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خدای بی همتا را که این بنده بی مقدار را برای فراگیری دانستنی های مفید یاری نمود.

و تشکر و قدردانی از زحمات بی شائبه و ارزشمند استاد گرانقدر سرکار خانم بلقیس نوروزی که مرا در نوشتن چنین تحقیقی یاری رساندند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	چکیده
۸	مقدمه
	کلیات
۹	تعریف و تبیین موضوع و ضرورت آن
۹	فوائد و اهداف مقاله
۹	تعریف مفاهیم و اصطلاحات کلیدی
۱۰	اهمیت تعلیم و تربیت
	اهداف تعلیم و تربیت از منظر اسلام
۱۱	الف) سوق دادن انسان به سوی خدا
۱۱	ب) هدایت و رشد
۱۱	ج) پرورش روح حقیقت جویی در انسان
۱۱	د) تقوا
۱۱	ر) عبادت و عبودیت
	سیره اخلاقی امام صادق (ع)
	اقدامات امام در جامعه شیعی
۱۲	الف) امام و جوان
۱۲	ب) جوانان و آموزش
۱۲	ج) جوانان و ازدواج
۱۲	د) جوانان و قرآن
۱۲	ز) جوانان و نماز
	سیره علمی-فرهنگی امام صادق (ع)
۱۳	علم امام
	اهداف نهضت علمی و فرهنگی امام
۱۴	الف) تربیت راویان
۱۴	ب) تربیت مبلغان و مناظره کنندگان
۱۴	ج) مبارزه با انحرافات
۱۵	احیای مکتب تشیع
۱۵	گشودن باب اجتهاد
۱۵	احیای فقه شیعه
۱۶	احیای کلام شیعه
۱۶	احیای اخلاق شیعه
۱۶	توجه دادن به اهل بیت
۱۶	توجه دادن به مباحث قرآنی
۱۶	توسعه افکار و ترویج روح علم و تحقیق در بین مسلمانان
۱۸	نتیجه
۱۹	پی نوشت

## چکیده:

با توجه به اینکه هدف از بعثت انبیا ء الهی، انسان سازی است اگر بخواهیم جامعه سالم و انسانی داشته باشیم بایستی از فرد فرد خانواده های جامعه شروع کرده و اساس اولیه تربیت از خانه و خانواده شروع می شود.

همان گونه که هر فردی عضوی از یک جامعه است، اگر این فرد به طور شایسته و با اخلاق پسندیده پرورش یابد می تواند به نوبه خود جامعه را به سوی سعادت و رستگاری سوق دهد.

تعلیم و تربیت از جایگاه بسیار والایی در قرآن و روایات برخوردار است و از طریق آن می توان تحولات عظیم در جامعه انسانی پدید آورد.

## مقدمه:

سپاس و ستایش خدای را که انسان را آفرید، عقل را زینت او قرار داد و او را بهترین آفریده خود خواند خدایی که برای هدایت اشرف مخلوقاتش، قرآن و معصومین - علیه السلام - را فرستاد.

تمام کتب آسمانی که بر انبیاء نازل شده است برای این بوده است که این موجودی که اگر سرخود باشد خطرناک ترین موجودات عالم است، تحت تربیت و تعلیم الهی واقع بشود و بهترین موجودات و افضل تمام خلایق بشود.

همان طور که می دانیم تربیت، لازمه حیات انسان است. امام خمینی (رحمه الله علیه) آن کس که تربیت نیافته نه تنها خود را تلف خواهد کرد، بلکه از لحاظ اجتماعی هم زیان بزرگی به جامعه و مردم زده است.

بهترین نوع تربیت، تربیت دینی و اسلامی و برگرفته از معارف اسلامی است که ما در این مقاله سعی کرده ایم به برخی از موارد آن بپردازیم.

## کلیات:

تعریف و تبیین موضوع و ضرورت آن:

همان طور که می دانید تربیت از ارکان مهم و اساسی سعادت بشر است. تحقق خوشبختی ها و بدبختی های جسمی و روانی یک فرد، یک خانواده، یک ملت و خلاصه تمام مردم جهان بستگی مستقیم به نوع تربیت آن ها از هنگام کودکی دارد و در اسلام مسأله تعلیم و تربیت از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است تا آن جا که می توان گفت: «اصولاً هدف ارسال کتب و ادیان آسمانی و بعثت انبیاء الهی نیز همین تربیت صحیح بشر بوده است» زیرا سرکشی غرایز حیوانی و ظلمات جهل و خواهش های نفسانی را جز با تربیت صحیح و الهی نمی توان مهار و برطرف کرد از آن جایی که جامعه، از افراد یک خانواده تشکیل می شود، برای ایجاد یک جامعه سالم باید یک خانواده سالم ایجاد کرد و به همین خاطر ضرورت پرداختن این موضوع بسیار است.

فوائد و اهداف مقاله:

باشناخت هرچه بیشتر شخصیت امام صادق (ع) و سیره اخلاقی ایشان می توان دیدروشن تری نسبت به ایشان داشته باشیم و در نتیجه بهترین الگو و معیارها برای زندگی دست یابیم.

## تبیین:

تعریف مفاهیم و اصطلاحات کلیدی تحقیق:

تعلیم: در لغت از ریشه (علم) به معنای (یاد دادن) و (آموزش) گرفته شده است. و در نظر ابتدایی، عبارت است از القای موضوعی، توسط استاد به ذهن شاگرد تا آن را یاد گرفته و تکرار کند اما حقیقت تعلیم ایجاد دگرگونی در متعلم و متحول ساختن او از جهل است به حالتی که موجب رشد عقلی و استقلال فکری شود.

تربیت: در لغت از ریشه (ربو) به معنی زیادت و فزونی و رشد و برآمدن، گرفته شده است. مفهوم واژه تربیت بر پرورش دادن استعداد های انسانی، یعنی فراهم کردن زمینه رشد استعداد های آدمی دلالت می کند.

تعلیم و تربیت در لغت و اصطلاح:

(تربیت) از ماده (ربو) گرفته شده است که به معنای بالارفتن اوج است. بنابراین تربیت از لحاظ لغوی به معنی اوج دادن و زمینه را برای بالارفتن و رشد فراهم کردن است.

(تعلیم) ایجاد دگرگونی در کسی است که می خواهد یاد بگیرد و بیدار کردن او از حالت جهل و نادانی به حالتی که موجب رشد عقلی و استقلال فکری شود با تعلیم و تربیت صحیح از ریشه نزع و اختلافات خانوادگی کاسته می گردد<sup>۱</sup>

از لحاظ اصطلاحی تعلیم و تربیت عبارت است از رشد عقلی و به فعلیت رساندن استعداد های بالقوه و ایجاد وحدت و هماهنگی میان آن ها برای به هدف رسیدن انسان می باشد.

امام: (امام) در لغت به معنای (پیشوا، مقتدا، رهبر، پیشرو، الگو، چه زن باشد چه مرد، دلیل و راهنما، پیش نماز، پیغمبر و خلیفه، مصلح چیزی، نخ تراز بنایی، سرود گوی شتران، راه واضح و آشکار) می باشد.<sup>۲</sup>

صادق: از ریشه (ص د ق) گرفته شده است. به کسر صاد معنای راست می دهد، مقابل دروغ. مراد از صدق خبر راست است و به عبارت دیگر (حق)

(صادق) اسم فاعل است به معنای راستگو و درست گو. صادق به معنای راست بودن، راستگو و راست کردار بودن.



## اهمیت تعلیم و تربیت:

باتوجه به اینکه هدف از بعثت انبیاء الهی، انسان سازی است؛ اگر بخواهیم جامعه سالم و انسانی داشته باشیم، بایستی از فرد فرد خانواده های جامعه شروع کرده و اساس اولیه تربیت فرزند در خانه و به دست پدر و مادر پی ریزی گردد.

از نظر اسلام و دیدگاه پیشوایان معصوم ما (ع)، تربیت اخلاقی فرزند حتی از تأمین مادی او مهم تر است که در این باره امام علی (ع) می فرماید: هیچ میراثی از والدین برای فرزندان بهتر از ادب و تربیت صحیح نیست.<sup>۴</sup>

همان گونه که هر فردی عضوی از یک جامعه است؛ اگر این فرد، به طور شایسته و با اخلاق پسندیده پرورش یابد می تواند به نوبه خود جامعه را به سوی سعادت و رستگاری سوق دهد و در غیر این صورت در فساد و تباهی جامعه تأثیر خواهد گذاشت در نتیجه تربیت صحیح هر فرد در واقع گامی است که در جهت سلامت و سعادت جامعه آینده برداشته می شود.

دیگر اهمیتی که تعلیم و تربیت دارد این است که کودکان امروز، پدران و مادران فردا هستند. اگر کودک به طور شایسته و مطلوب پرورش پیدا کند، خود نیز می تواند مربی و معلم خوب و شایسته برای نسل های آینده باشد.

گرچه تربیت به ظاهر از بدو تولد آغاز می شود، ولی با در نظر داشتن تأثیر جنبه های وراثتی در تربیت زمینه آن سال ها قبل از تولد فرزند و در واقع به هنگام انتخاب همسر فراهم می گردد. تربیت در سنین اولیه زندگی نیز دارای ارزش و اهمیت خاصی است؛ زیرا علاوه بر اینکه کودکان نوعاً در این دوران پیوست و با پدر و مادر مانوس هستند روحیه تأثیرپذیری در آن ها پدید می آید. از نظر اسلام از آن جا که تعلیم و تربیت، امری است هم جهت و منطبق با فطرت انسانی و عملی است همگام با حرکت عمومی جهان خلقت، این وظیفه بزرگ همواره در طول حیات دامنگیر هر انسانی است و آدمی در تمام مراحل زندگی و دوران عمر، موظف است که در جهت شکوفایی استعدادهای خود گام بردارد.

به حکم عقل نیز مادامی که انسان از محیط خود تأثیرپذیر است و اجزای بدن او از هم گسسته نشده و بین فرد و جامعه ارتباط برقرار است، باید تربیت ادامه یابد و انسان نمی تواند در هیچ مرحله ای خود را از آن بی نیاز بینداند.

برای تکامل ارادی و اختیاری و وصول به کمال انسانی، تعلیم و تربیت دارای اهمیت است؛ زیرا انسان آن گاه کامل می شود که در همه ابعاد فردی، اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، اعتقادی ..... به رشد لازم رسیده است.

## اهداف تعلیم و تربیت از نظر اسلام:

نظر به اهمیتی که این موضوع دارد اهداف مهمی را در بر می گیرد که در زیر به آن اشاره می کنیم:

الف) سوق دادن انسان به سوی خدا

شعار اولیه اسلام (لا اله الا الله) بیان کننده هدف تربیتی در این مکتب است این شعار داری دو بعد است: یکی نفی همه خدایان و دیگری اثبات آن که به عنوان تنها معبود حقیقی خداوند در قرآن می فرماید: (آگاه باشید بازگشت همه کارها به سوی خداست)<sup>۹</sup>

ب) هدایت و رشد

در رابطه با انسان هدایت در دو مرحله انجام می پذیرد، در نخستین مرحله هدایت به معنی (نمودن) راه است در این نوع هدایت راه و بیراه شناسانده می شود که شامل هدایت رسولان و هدایت فطری خواهد بود در نوع دیگر هدایت علاوه بر (نمودن) راه پیمودن آن نیز مورد نظر است. هدایت به عنوان هدف نهایی، گاه در قرآن با واژه (رشد) بیان می شود.

پ) پرورش روح حقیقت جویی در انسان:

بر این اساس که انسان ذاتاً و فطرتاً حقیقت جو و حقیقت طلب است. این امر در صورتی حاصل می شود که انسان نسبت به حقایق بی طرف باشد.

ت) تقوا:

تقوا عبارت است از آن است که نفس، تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا خطا دچار نگردد.

ث) عبادت و عبودیت:

خداوند هدف نهایی از خلقت انسان را در قرآن کریم عبادت می نماید (و ما جن و انس را نیافریدیم مگر اینکه مرا به یکتایی پرستش کنند)

در روایت است که امام صادق (ع) فرمودند: کودک باید از سنین شش الی هفت سالگی به نماز واداشته شود) ممکن است کودک در این سنین معانی کلمات نماز را نفهمد اما معانی راز و نیاز با خدا در عالم کودکی خود را درک می کند و در باطن خود تکیه گاهی مطمئن و استوار برای خویش می یابد.<sup>۱۰</sup> روان پاک کودک، برای پذیرش تعالیم اسلامی، همانند زمین مستعد و آماده ای که هر بذری را در خود می پذیرد. امام صادق (ع) می فرماید: (احادیث اسلامی را به فرزندان خود هر چه زودتر بیاموزید، قبل از آن که مخالفین بر شما سبقت بگیرند و دل های کودکان شما را با سخنان نادرست خویش اشغال کنند).<sup>۱۱</sup>

بنابراین ایمان به خدا که بهترین پناهگاه بشر و بزرگترین عوامل اطمینان روح و آرامش نفس است، اساسی ترین پایه سعادت بشر و والدین به عنوان مربیان کودک، باید از دوران کودکی به فرزندان خود درس ایمان و خداشناسی بدهند تا آن ها بیاموزند که در پیش آمدهای سخت نباید مایوس شده و همواره از خدای متعال مدد بگیرند؛ چرا که خداوند قادر است مشکلات را حل کند بدون آن که منتی بر بشر بگذارد.

والدین باید از همان دوران کودکی حس و وظیفه شناسی فرزندان در مقابل خداوند را در موجود آن ها بیدار نمایند تا پایه های سعادت و خوشبختی آنان را پی ریزی نمایند. از آن جا که امامان معصوم - علیه السلام - پاک ترین و کامل ترین انسان هستند، بر انسان است که برای دستیابی به سعادت دنیا و آخرت، گام در راه آنان نهاد و چگونه زیستن و مردن را بیاموزد و فضایل اخلاقی را بشناسد و خود را به این صفات بیاراید.

خدای سبحان در قرآن کریم (سوره زمر/ ۱۷) می فرماید: کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنان خردمندانند.

## سیره اخلاقی امام صادق (علیه السلام)

### اقدامات امام در مورد جامعه شیعی

امام و جوانان:

جوانی بهار عمر و جوان بهترین و مفیدترین قشر جامعه است. جوانان قشر متحرک، فعال و پرشور و نشاط جامعه را تشکیل می دهند. آن ها با استعدادهای فراوان و نشاط بسیار راه های سخت و ناهموار پیشرفت را می پیمایند و زمام فردای جامعه را به دست می گیرند. بدین جهت تمام نظام ها و حکومت ها روی این قشر، سرمایه گذاری می کنند. در این راستا انبیاء و معصومین نیز توجه ویژه ای به جوانان داشتند. امام صادق (ع) توجه خاصی در جذب و تربیت جوانان داشتند. (هشام) جوانی بود که محضر امام را درک کرد و به شکوفایی رسید. (مفضل بن عمرو) نیز یکی از بیشمار جوانانی بود که امام روی ایشان سرمایه گذاری کردند. در این قسمت بعضی از سفارشات امام، مربوط به جوانان را بررسی می کنیم:

۱) جوانان و دین شناسی: امام فرمودند: نوجوانان را با حدیث و فرهنگ اهل بیت آشنا کنید، قبل از آن که مرجئه بر شما سبقت بگیرند.<sup>۹</sup>

۲) جوانان و آموزش: امام فرمودند: دوست ندارم یکی از شما جوانان را ببینم مگر در یکی از این دو حال: دانا یا در حال یادگیری و دانش اندوزی.<sup>۱۰</sup>

۳) جوانان و ازدواج: امام فرمودند: کسی که ازدواج کند نیمی از دین خود را به دست آورده پس در مورد نیم دیگر از خدا بترسید.<sup>۱۱</sup>

۴) جوانان و قرآن: یکی از عواملی که می تواند جوانان را از انحرافات گوناگون حفظ نماید انس و ارتباط با قرآن است. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: (جوان مؤمنی که به قرائت قرآن بپردازد، قرآن با گوشت و خونس در می آمیزد)<sup>۱۲</sup>

۵) جوانان و نماز: یکی از عوامل بازدارنده جوانان از آلودگی ها و انحرافات نماز است. نماز در کلمات امام صادق (ع) جایگاه خاصی دارد. روایات نقل شده از امام در مورد نماز بسیار زیاد است، در این جا به یک روایت بسنده می کنیم (اولین عملی که در قیامت مورد محاسبه قرار میگیرد نماز است. اگر نماز قبول شود سایر اعمال قبول می شود و اگر نماز رد شود سایر اعمال نیز رد خواهد شد).<sup>۱۳</sup>

## سیره علمی - فرهنگی امام صادق (ع)

علم امام صادق (ع):

عصر امام (ع) همزمان با اواخر حکومت بنی امیه و اوائل حکومت عباسیان بود ایشان از درگیری بنی امیه و بنی عباس و مشغول شدن ظالمان با یکدیگر که خود موجب کاهش خفقان بود، استفاده کردند و نهضت علمی - مذهبی خود را گسترش دادند به طوری که عملاً مدینه تبدیل به حوزه درسی شد که در آن هزاران پژوهنده مشتاق در رشته های گوناگون از محضر آن امام گرامی بهره می گرفتند.

شهرت علمی ایشان آن چنان چشم گیر و زبان زد خاص و عام بود که از نقاط بسیار دور برای حضور در درس ایشان می آمدند و از دریای علوم الهی ایشان بهره مند می شدند این اشتیاق نه تنها در دل های دانشمندان و متفکران اسلامی، بلکه متفکران و علمای غیر اسلامی نیز مشتاق استفاده از جلسات درس و بحث ایشان بودند.

شرح پاسخ ها و مناظرات امام با فرقه های گوناگون و صاحبان عقیده های مختلف از جالب ترین صفحات تاریخ علمی سده های اول اسلام است. نکته ای که به نظر می رسد این است که پاسخ های امام، بیشتر به تناسب زمان و موقعیت و با توجه به طرز فکر و میزان درک سؤال کننده بوده، به همین دلیل بعضی از پاسخ ها فقط برهان جدل کننده را باطل می کرد و ضعف گفتار او بر ملا می ساخت و برخی نیز برای ایجاد انگیزه در سؤال کننده بود و البته ایشان در بسیاری از موارد نیز پاسخ های کاملاً علمی و منطبق ارائه داده اند.<sup>۱۴</sup>

در باب عظمت علمی امام صادق (ع) شواهد فراوانی وجود دارد. فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم فرود می آورند و برتری علمی او را می ستودند.<sup>۱۵</sup>

شیخ مفید می نویسد: به قدری علوم از آن حضرت نقل شده که زبان زد مردم گشته و آوازه آن همه جا پخش شده است و از هیچ یک از افراد خاندان او به اندازه او علم و دانش نقل نشده است.<sup>۱۶</sup>

دکتر امین مصری یکی از دانشمندان اهل سنت درباره امام صادق (ع) می گوید: امام جعفر صادق وسعت علم و اطلاعاتش در میان مردم بی نظیر بوده و به خاطر صدقش به (صادق) ملقب بود.<sup>۱۷</sup>

## اهداف نهضت علمی و فرهنگی امام صادق (ع)

امام (ع) در قالب های مختلفی در صدد تغییر فرهنگ درجات علمی افراد جامعه آن زمان تلاش می کردند که برای سهولت فهم در چند مورد زیر خلاصه شده است:

۱) تربیت راویان: از گذر ممنوعیت نقل احادیث در مدت زمان طولانی توسط حکام اموی احساس نیاز شدید به نقل روایات و سخن پیامبر (ص) و امیرالمؤمنان (ع)، امام (ع) را واداشت به تربیت راویان در ابعاد مختلف آن روی آورند. لذا اینک از آن امام در هر زمینه ای روایت وجود دارد و این است راز نامیده شدن مذهب شیعه به (جعفری) راویان با فراگرفتن هزاران حدیث در علوم چون تفسیر، فقه، تاریخ، مواعظ، اخلاق، کلام و ... سدی در برابر انحرافات ایجاد کرد.<sup>۱۸</sup>

این حجم گسترده از راویان در واقع، کمبود روایت از منبع بی پایان امامت را در طی دوره های مختلف توانست جبران کند و از این حیث امام به موفقیت لازم دست یافت و اما روایت از این امام همام منحصر به شیعه نشد و اهل سنت نیز روایات فراوانی در کتب خود آوردند.

۲) تربیت مبلغان و مناظره کنندگان: علاوه بر ایجاد خزائن اطلاعات (راویان) که منابع خبری موثق تلقی می شدند حضرت به ایجاد شبکه ای از شاگردان ویژه همت گمارد تا به دومین هدف خود یعنی زدودن اختلاط و التقاط همت گماردند و شبهات را از چهره دین بزدايند.<sup>۱۹</sup>

۳) مبارزه با انحرافات: اواخر عصر بنی امیه زمانی بود که مباحث علمی تا حدودی رونق گرفته بود و از طرف حکومت نیز منبع کتابت برداشته شده بود و آخرین خلفای اموی در حقیقت آمادگی بیشتری برای میدان دادن به مباحث علمی داشتند و البته شرایط آن زمان چیزی جز این نیز ایجاد نمی کرد. با این شرایط از مهم ترین فعالیت های امام (ع) مقابله با انحرافات بود که از دامنه همان شرایط به وجود آمده بود. نقطه مقابل فعالیت تشیع فعالیتها و زیر شاخه های اهل تسنن بود. امام علاوه بر آن دو حرکت اصولی برای رفع انحرافات نیز می کوشیدند. مبارزه با برداشت های جاهلانه و قرائت های سلیقه ای از دین نیز در مکتب امام جایگاه داشت و حضرت علاوه بر حرکت کلی و مسیبر اصلی، به صورت موردی با این انحرافات مبارزه می کردند.<sup>۲۰</sup>

## احیای مکتب تشیع

عصر امام صادق (ع) عصری بود که فتنه و آشوب و انقلاب سراسر کشورهای اسلامی را فراگرفته و موج خشم و نارضایتی مردم از حکومت بنی امیه تمام نقاط را طوفانی کرده بود. دوران حکومت حاکمان بنی امیه هر چه به پایان خود می رسید پریشانی و نا بسامانی فزونی می یافت. استانداران بسیار ظلم می کردند و وضع اقتصادی مردم بر اثر فشار طبقه حاکم به بدترین صورت درآمده بود.

این اوضاع و شرایط زمینه را برای فعالیت های امام صادق (ع) آماده کرد به طوری که مکتب بشیعی را نه تنها در برابر امواج طوفانی مکاتب دیگر حفظ نمود بلکه این مکتب به طرز شگفت انگیزی احیا شد.

امام (ع) خطوط فکری (اصلی) را به جامعه عرضه نمودند و شاگردانشان را تشویق به تدوین کردند. بر پایه تشویق ایشان اصول اربع ماه تنظیم گردید و بر اساس آن تشیع شکل و صورت و سازمان جدید خود را نشان داد. ایشان با این کار نشان دادند که تشیع هم مذهب است و هم حکومت و بین این دو هیچ جدایی نیست. تشیع در عصر ایشان شکل جدیدی گرفت و سنت و شیوه پیامبر (ص) و طرز برخورد آن ها به مسائل و اندیشه های الهی شان به صورتی سازمان یافته و منسجم آشکار شده و به صورت یک مکتب درآمده به طوری که کتبی که فقه شیعه بر آن استوار است پایه های تألیف و تدوین آن ها در آن عصر گذارده شده است.<sup>۲۱</sup>

## گشوده باب اجتهاد

امام (ع) تحرک خاصی در دنیای علم و فقه پدید آوردند و شاگردان خود را وادار کردند که در چهره علم کلام و بکارگیری شیوه تحقیق و بررسی و استنباط حقایق را کشف کنند. شیوه ایشان در فقه همان شیوه تفکر اسلامی یا استنباط بود و از قیاس و رأی افراد را بر حذر می داشتند.

امام (ع) با پایه گذاری فقاہت و فهم و صورت درسی دادن به مسائل، با مباحثاتی عظیم و پر دامنه را در جامعه علمی آن روز گشودند و با روشی که به شاگردان تعلیم می دادند از آیات و مفاد قرآنی و احکام و قوانین اسلام را بیرون کشیده و به صورت عمل در می آوردند. ایشان باب اجتهاد را باز گذاشتند و قانون آزاد اندیشی را در جامعه علمی ترویج کردند و فرمودند اگر مجتهد در استنباط و اجتهاد خود به حق برسد برای او دو پاداش است و اگر راه استنباط او درست باشد و آن چه که بدست آورد منطبق با حق نباشد باز هم برای او اجر استنباط وجود دارد. در سایه زحمات امام صادق (ع) افکار اسلامی و خط صریح و صحیح آن از نو متجلی گردید. شاگردان سازمان یافته ایشان توانستند به عنوان مدافعان علمی و فرهنگی آن مکتب باشند و حقانیت اسلام و تشیع را به جامعه اسلامی آن روز به مرحله اثبات برسانند.

نکته مهم در این بحث آن است که امام بارها اعلام فرمودند: آن چه می گوئیم از پدر من او از پدر خویش و ... از علی بن ابی طالب است و حدیث علی حدیث رسول الله و نص او قول خداوند است.<sup>۲۲</sup>

## احیای فقه شیعه

مهم ترین دوره ای که مکتب تشیع توانست شالوده اساسی برای خود بریزد همین دوره بود. امام (ع) دانشمندان بی شمار تربیت کردند و به اطراف بلاد اسلامی گسیل داشتند و خلاصه علوم و معارف و اصول تغییر ناپذیر خود را به رشته تحریر در آوردند از همین نظرات که جعفر بن محمد رابیع مذهب شیعه قلمداد کرده و تشیع، عنوان افتخار آفرین مذهب جعفری به خود گرفت.

در باب فقهی، مکتب امام صادق (ع) قوی ترین و نیرومندترین مکتب های آن زمان بوده است. تمام رهبران اهل سنت بلاواسطه یا با واسطه از شاگردان امام صادق (ع) بوده اند. امام (ع) در مسائل فقهی طبقاتی به وجود آورده بودند به نام فقها که جواب مسائل مردن را می دادند مدینه یکی از این مراکز بود. کوفه و بصره نیز از دیگر مراکز بودند.<sup>۲۳</sup>

## احیای کلام شیعه

با گشوده شدن باب اجتهاد و به وجود آمدن مسائل فقهی کم کم بین اهل سنت و شیعیان و همچنین در بین شیعیان، اختلافاتی به وجود آمد و مباحث کلامی و دفاع از اصول عقاید و اثبات مسائل اصولی، ضرورت پیدا کرده لذا طبقه ای به وجود آمد به نام متکلمین که در اصول عقاید و مسائل اصولی بحث می کردند. درباره خدا صفات خدا، آیات قرآن، نبوت و حقیقت وحی و امامت بحث می کردند.<sup>۲۴</sup>

## احیای اخلاق شیعه

امام (ع) در کار مسائل فقهی و علمی به آموزش اخلاقیات نیز بسیار اهمیت می دادند. بیشترین تأثیر آموزشی اخلاقیات در عمل ایشان بود. ایشان با عمل و گاهی حتی بدون هیچ سخنی و توصیه ای مردم را به پرهیزگاری و حسن خلق دعوت می کردند. البته در جای خود نیز به مردم توصیه می کردند و می خواستند که پرهیزکار باشند و فکری برای قیامت خود بکنند. در مورد دختران همیشه توصیه داشتند و می فرمودند: دختر چون گلی خوشبو است او را می بوئی و روزی او با خداوند است. امام (ع) همیشه مردم را به اعتدال و میانه روی و حسن خلق و حسن جوار دعوت می کردند و همین امر باعث می شد که کم کم به طور شگفت انگیزی تأثیر بر رفتار و اخلاق عامه مردم داشته باشند.<sup>۲۵</sup>

## توجه دادن به اهل بیت

حق اهل بیت علیه السلام در همان روزهای اولیه وفات پیامبر از دست رفته بود و به تدریج در سایه القانات در دشمنی ها این حقوق بیش از پیش فراموش شده و ارزش و اعتبارشان کم رنگ تر می شد. بعدها در عصر بنی امیه و آل مروان سعی بر این شد که اهل بیت را به فراموشی بسپارند و همین کار را انجام دادند. کار امام صادق (ع) احیای اهل بیت (ع) و توجه دادن عامه به سوی ایشان بود. همین امر در مورد، این درک و اندیشه را پدید آورد که تجدید نظری در این زمینه داشته باشند و این محصول تلاش امام صادق (ع) بود که در بین جامعه علمی و فقهی آن روز، توانستند این برجستگی را به اثبات برسانند و خود به عنوان فرد شاخص علمی و فقهی و اخلاقی اهل بیت در آن عصر درخشندگی های زیادی داشتند.<sup>۲۶</sup>

## توجه دادن به مباحث قرآن

امام (ع) در آن زمان آن چنان شوق و علاقه به قرآن را در دل مردم نهادینه کرده بودند که مردم به قدری در اطراف قرآن و مسائل مربوط به آن کاوش می کردند که حد حصری برای آن نبود. روی کلمه به کلمه قرآن تفکر و حساب می کردند تا جایی که طبقه ای به وجود آمد به نام (قراء) که قرآن را قرائت می کردند و کلمات قرآن را به طرز صحیحی به مردم می آموختند و از آن بالاتر جلسات تغییر قرآن و بیان معانی قرآن و احادیث پیامبر نیز، رونق زیادی گرفته بود.<sup>۲۷</sup>

## توسعه افکار و ترویج روح علم و تحقیق در بین مسلمانان

در عصر امام (ع) عقاید گوناگون و متضاد و متعارض و مخالف با اسلام راستین وجود داشت که پیروان آن ها با هم درگیری داشتند. حتی به مرور، کسانی پیدا شدند که برای خداوند صورت قائلی شدند یا به علت هایی را در دین روا داشتند. امام (ع) به اصلاح عقاید پرداختند و در زمینه توحید، جبر، قضا و قدر و مسائل گوناگون تلاش هایی ارزنده داشتند و برای تعدیل خطوط فکری و جهت دهی آن ها و بقای جامعه اسلامی به کوشش هایی پرداختند ایشان با آموزش های خود و بحث ها و نقدها، ریشه بسیاری از افکار خرافی، مذاهب متنوعه ریاست و سلطنت ارباب قدرت را زدند و نهضتی علمی آمیخته با دین و اعتقاد، به وجود آوردند که تداوم حیاتش تا امروز ملاحظه می شوند.

امام (ع) کوشیدند بدعت ها را از میان بردارند، خطوط غیر اسلامی را معرفی و نمایان کنند، انحرافات را از اصل و ریشه به مردم بشناسانند و نشان دهند که بسیاری از آن چه را که مردم در عصر او اصیل می شمارند، اصالت ندارد. به عنوان مثال، در جریان سقیفه شورای شش نفری حکومت، در مرگ خلیفه دوم، از آغاز ویران و منحرف و خلاف خط و اندیشه اسلامی بود. و یا کودتای معاویه علیه امیرالمؤمنین خطی کاملاً ضد اسلامی و از روی عناد به اسلام بود.

از خدمات مهم امام به جامعه علمی، توسعه افکار و اندیشه و آزاد ساختن آن از قیود و بندهای موهومات بود. ایشان خود به عنوان امام مردم، بحث آزاد عرضه اندیشه ها در محافل علمی را، بدون هیچ گونه محدودیتی پایه گذاری کردند، تا حدی که یک مادی ملحد هم، حق یافت که آراء و عقاید خود را به میدان بکشد و عرضه بدارد و البته دیگران نیز در برابر این ابراز عقیده حق خود می دیدند که به تقابل آراء و بحث و بررسی بپردازند و خط فکری خود را ارائه دهند و در این تقابل، حق از نا حق باید شناخته می شد.

مسئله بحث آزاد و تعبدی نبودن قبول دین، سبب شد که مردم به سوی مذهبی که امام صادق (ع) پیشوایی آن بود روی آوردند و توجهات به سوی محضر درس و به بحث ایشان معطوف گردد. و این مسئله در آن روزگار اهمیت داشت، بدان خاطر که نه امام دارای پست و مقامی بودند که عده ای تطمیع شوند و نه پولی و مهریه در کار بود، که موجب جلب نظر گردد.

آری، امام صادق (ع) این حق را بر گردن فلاسفه و دانشمندان دارند که زمینه ساز شرح صدر، در شنیدن آراء و نظرات مخالف در جامعه است و هر کس حق دارد در یک محفل علمی، دیدگاه خود را محک بزند.<sup>۲۸</sup>



## نتیجه

از کل این مباحث می توان نتیجه گرفت که از طریق تعلیم و تربیت صحیح، می توان تحولاتی عظیم در جامعه انسانی پدید آورد جامعه را مترقی کرد و استقلال آن را از خطر مصون داشت از این جهت که اگر کشوری بخواهد خود را در بین همه تصادم ها و درگیری هاسر پا نگه دارد، در فرد خود کفایی باشد و وابستگی ها را طرد و دور کند، ناگزیر باید از طریق تربیت اقدام کند.

بهترین زمان برای تربیت، دوران کودکی است که کودک هنوز کاملاً شکل نگرفته و برای هر گونه تربیت آمادگی دارد.

مسئولیت این امر حساس در مرتبه اول بر عهده والدین و به خصوص مادران نهاده شده است و خانواده نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد و اولین و مهم ترین کانون پرورش صحیح و احیا شکوفایی استعدادهاست.

همچنین مدرسه و اجتماع نیز نقش بسیار مهمی دارند. تربیت و سهل و ساده ای نیست، بلکه فن بسیار ظریف و حساسی است که کاردانی اطلاعات کافی، تجربه، بردباری، و قاطعیت لازم دارد که برای وصول به این حقایق، مطالعه تحقیق و مشاوره و تلاش و کوشش می طلبد.

## پی نوشت ها

۱. محمد معین. فرهنگ معین. ج ۱. ص ۲۴
۲. احمد سیاح. فرهنگ بزرگ جامع نوین. ج ۱. ص ۵۵
۳. فرهنگ جدید عربی- فارسی. ترجمه منجد الطلاب. ص ۳۰۵
۴. محمد حسین حق جو. تربیت فرزند. ص ۱۱
۵. سوره شوری. آیه ۵۳
۶. سوره ذاریات. آیه ۵۶
۷. محمد محمدی ری شهری. میزان الحکمه. ج ۱. ص ۱۰۵
۸. همان
۹. شیخ حر عاملی. وسائل الشیعه. ج ۱۵. ص ۱۹۶
۱۰. محمد تقی مجلسی. بحار الانوار. ج ۱. ص ۱۷
۱۱. شیخ حر عاملی. وسائل الشیعه. ج ۲. ص ۱۷
۱۲. شیخ حر عاملی. وسائل الشیعه. ج ۲. ص ۱۴
۱۳. همان
۱۴. مهدی رحیمی. سیره کوتاه در زندگی چهارده معصوم. ص ۹۹
۱۵. عبدالحلیم جندی. امام صادق (ع). ترجمه عباس جلالی. ص ۳۰۶
۱۶. شیخ مفید. الارشاد. اسلامی. ص ۲۷۰
۱۷. دکتر امین مصری. مؤلف کتاب ظهیر الاسلام. معاصر
۱۸. ابوالعباس نجاشی. رجال نجاشی. ج ۱. ص ۷۸ و ۷۹
۱۹. مجلسی. بحار الانوار. ج ۴۷. ص ۴۷
۲۰. شیخ حر عاملی. وسائل الشیعه. ج ۲. ص ۵۷
۲۱. علی قائمی. در مکتب احیاگر تشیع. ص ۳۸۷
۲۲. همان. ص ۳۸۸
۲۳. سید محمد حسن موسوی کاشانی. بر امام صادق چه گذشت. ص ۱۴۲
۲۴. همان. ص ۱۳

۲۵. علی قائمی. در مکتب احیاگر تشیع. ص ۳۵۵

۲۶. همان. ص ۳۸۸

۲۷. سید محمد حسن موسوی کاشانی. بر امام صادق چه گذشت. ص ۱۲

۲۸. علی قائمی. همان. ص ۳۸۱